

## بررسی تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر ساخت کالبدی شهرهای

### ایران

ناهید سجادیان<sup>۱</sup>، صفیه دامن باغ<sup>۲</sup>، فاطمه رزمگیر<sup>۳</sup>، بلقیس رستگاران<sup>۴</sup>

#### چکیده

فرهنگ اسلامی با مؤلفه‌های خاص خود، شکل خاصی از شهرها را آفرید. بدین ترتیب با ورود اسلام به ایران، شهرهای ایرانی، چه آنها که جدیداً بنا شدند و چه آنها که وجود داشتند و توسعه یافتند با پذیرفتن ویژگیهای اسلامی، به یکباره دگرگون نشدند؛ بلکه به پیروی از اصول برنامه‌ریزی شهری زمان ساسانی و با تأثیر و الهام گرفتن از مذهب جدید شکل تازه‌ای پیدا کردند. بنابراین در پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع و اطلاعات کتابخانه‌ای انجام گرفته، سعی شده است به بررسی اثرات تمدن و فرهنگ اسلامی بر کالبد شهرهای ایرانی و همچنین به بررسی ساخت کالبدی، چگونگی اداره ی شهر اسلامی پرداخته شود. در مطالعه صورت گرفته بحث در مورد مشخصه‌های کالبدی است که اگر در شهری وجود داشته باشند می‌توان آن شهر را به عنوان شهری در نظر گرفت که امتی اسلامی در آن سکونت، تجارت و عبادت می‌کنند و در مجموع شهری اسلامی را در پهنه تحت نفوذ خود به ذهن متبادر سازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد آنچه که از سالها پیش تا آن موقع (ورود اسلام به ایران) طی شده و تکامل یافته بود، با اعتقادات و قوانین مذهبی در هم آمیخته و جنبه‌های مذهبی در ساختار و سیمای کالبدی شهرها نمودار شد. بنابراین فرهنگ اسلامی نظام کالبدی، الگوها و ویژگیهای جامعه را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، فرهنگ و تمدن، کالبد شهری، مذهب، اسلام، شهرهای

ایرانی

<sup>۱</sup> دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

nsajadian@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز (مستول مقاله)

safiyeh\_damanbagh@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

f.razmgir91@gmail.com

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه شهید چمران اهواز

## ۱- مقدمه

اندیشمندان بین‌مفاهیمی چون تمدن و فرهنگ تفاوت قائل می‌شوند. اگر تمدن مجموعه‌ای از اندوخته‌ها و ساخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان باشد، فرهنگ نمی‌تواند جدای از آن باشد. در نتیجه فرهنگ مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم، نژاد و یا ملیت خاص در طول تاریخ به شمار می‌آید (بریمانی و شعاع برآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰). نفوذ اسلام در سرزمین‌های مختلف آسیا، آفریقا و اروپا اثر بارز و پویایی داشته است. اسلام، بر طبق گفته‌های فیسل (۱۹۶۵) و حسن (۱۹۷۲) مذهب شهری است. دین اسلام، به عنوان زمینه ساز تمدنی شکوفا با شتاب معجزه‌آسا در زمانی کمتر از یک قرن، بخش پهناوری از جهان مسکون و مکشوف را از پیرنه تا هیمالیا فرا گرفت. از این رو، هم در دگرگونی شهرهای پیشین موثر افتاد و هم موجب برپایی و رشد شهرهای جدید با ساختار کالبدی مخصوص به خود شد (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۷۱: ۹۹). چیستی و چگونگی شهر و شهر اسلامی در آموزه‌های اسلامی نیازمند تعمق و تتبع وسیع در منابع ارائه‌کننده این آموزه‌هاست (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۰). اسلام در نظر بسیاری از محققان، آیینی مدنی است که مشارکت جمعی را در عبادت فردی مورد توجه قرار می‌دهد. این مطلب به طور گسترده پذیرفته شده است که بیشتر تعلیمات اسلام، به بهترین شکل در محیطی شهری نمود پیدا می‌کنند (رباح سعود<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲: ۱). اسلام به عنوان دینی شهری مطرح شده که برای تحقق آرمان‌های خود به شهر نیاز داشته است (ملکشاهی، ۱۳۸۰: ۱۶۲). دین اسلام شاید تنها دینی باشد که در شهر شکل گرفت و با توجه به بینش و جهان‌بینی آن، نیازمند توسعه و گسترش شهرها بوده است. در قلمرو این مکتب و به خصوص مذهب شیعی شاهد پیدایش و توسعه شهرهای زیادی بر اساس بینش اسلامی هستیم. این گونه شهرها در دوره مدرن نه تنها کم رنگ نشده‌اند، بلکه رو به گسترش هستند (ضرابی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶۱). حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آن‌ها منجر شده است (تقوایی و خدایی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). با ورود اسلام به ایران، شهرنشینی وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، به تاریخ شالوده زندگی شهری شکل

<sup>5</sup> . Rabah Saoud

گرفته در زمان ساسانیان، دگرگونی پذیرفت. در دوره پس از ورود اسلام به ایران، قوانین اسلامی وارد زندگی شهرنشینان شد. این قوانین در روابط اجتماعی و اقتصادی جوامع شهری و روستایی تاثیر قابل توجهی داشت. استقرار مسجد نیز در بافت شهرها، به تغییر شکل کالبدی آنها منجر شد. روابط جدیدی که بر شهرها حاکم شد، از پی آمدهای دیگر ورود اسلام به ایران بود. با حاکمیت اسلام در ایران و در مدت زمان محدودی، زمینه‌های رشد سریع شهرهای جدید با شکلی دگرگون و فرهنگی نوین فراهم گردید. یکی از محققان اسلامی به نام محمدالعل سیناسور می‌گوید: شهر، هنر زیستن در کنار یکدیگر است. بنابراین به طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت که اسلام تمدنی بنیادگر، سازنده و شهری است تا تهاجم. در حالیکه روابط میان دیگر شهرها (مثلاً در یونان باستان) رقابت‌آمیز بوده، در میان شهرهای اسلامی احساسی از عضویت در جامعه شهری همراه با فرهنگ و شیوه زندگی مشترک وجود داشت (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۲). کشور ایران با قدمتی چند هزار ساله و تمدنی کهن صاحب هنرهای ارزشمندی در زمینه معماری و شهرسازی است. با ظهور اسلام در ایران در ۱۴ قرن قبل شکوه و عظمت این هنرها و دیرینگی این تمدن باعث گردید که اسلام نیز بر این تمدن پر دامنه و پر سابقه، مهر صحت بنهد و همین امر، تمدن و هنر ایرانی را در بُعد زمان، جاودانه و در بُعد مکان جهانگیر نمود (زنگی‌آبادی، بی تا: ۱۲۷). شهرها چه در دوره‌های قبل از اسلام و چه بعد از دوره اسلامی همواره جایگاه تمدن و فرهنگ ملل مختلف بوده‌اند. بر این اساس پرسش این است که فرهنگ اسلام بعد از ورود به ایران چه تاثیراتی را بر شهرهای ایران گذاشت؟ بر اساس این پرسش می‌توان پرسش‌های فرعی دیگر را نیز در نظر گرفت:

- اداره شهر ایرانی بعد از ورود اسلام چه تغییراتی را پذیرفت؟
- آمیزش دو فرهنگ ایرانی و اسلامی چه تاثیری بر کالبد شهرهای ایران داشت؟

## ۲- روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از شیوه‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. برای این منظور، عمده‌ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله پژوهش‌های پیشین و مقاله‌های چاپ شده در مجله‌ها و کتب تاریخی و نقشه‌ها مورد بررسی قرار گرفته

است، تمامی اطلاعات و داده‌ها بر اساس مطالعات نظری گردآوری شده‌اند تا بر این اساس و استناد بر آن‌ها بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد.

### ۳- شیوه شهرسازی ایرانیان قبل از اسلام

آغاز شهرنشینی در ایران را باید حدود سه هزار سال قبل از میلاد برشمرد. قدیمی‌ترین مردمی که در ایران به تمدن شهرنشینی رسیده‌اند عیلامیان بوده‌اند که در ابتدا در اطراف شهر شوش بساط شهرنشینی و کشاورزی پهن کرده‌اند. تعدادی از دانشمندان معتقدند که اقوام بیابان‌گرد آریایی با یکجانشینی شدن و به زیر یوغ کشیدن اقوام بومی به ایجاد شهرهائی پرداختند که بیشتر خصوصیت کشاورزی - نظامی داشت و سپس با وجود ارتباطات و توسعه بازرگانی بتدریج سیمای تجاری شهرها تقویت گردید (نظریان، ۱۳۸۵: ۵). در دوره ماد (قرن ۷ قبل میلاد)، سبک پارسی حاکم بود که دگرگونی‌های شهر از تغییرات قدرت سیاسی و اقتصاد مبتنی بر (غارث - دفاع) نشأت می‌رفت و فرهنگ مذهبی یا مقوله جهان‌بینی در ساخت‌های فضایی - کالبدی تاثیر زیادی داشت. در دوره‌ی هخامنشیان، سبک پارسی متداول بوده و فرهنگ دودمانی تاثیر اساسی بر جای گذاشته است در این دوره، شهرها بر اساس اعتقادات مذهبی و به شکل مربع احداث می‌شده است. وجود قصرهای حکومتی با دیوارهای سنگی و استحکامات نظامی گویای نقش فرهنگ طبقاتی در شهرسازی آن دوره است (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۰). در زمان سلوکیها، سنت طراحی ایرانی در معرض واردات یونانی قرار گرفت. اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م فوت کرد و سلوکوس در سال ۳۱۲ ق.م حکومت خود را بر ویرانه‌های پادشاهان هخامنشیان بنا نهاد. در زمان او در نقشه‌های معماری و شهرسازی بیشتر طرح‌های ملی حاکم بود به زبان دیگر شهرها بر اساس نقشه‌های یونانی به صورت شکل‌های هندسی طراحی شد. معابد مطابق سبک‌های یونانی ساخته شد. یونانی‌ها شهرهایی مانند پرس پلیس را در ایران ساختند که فرم آنها بیشتر شطرنجی بوده و برابر نظریه‌های شهرسازی یونانی ساخته شده بودند (مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۱۸). در دوره‌ی اسکندر و سلوکیان (قرن ۳ ق.م)، سبک هلنی - پارسی رایج شد و شهر را بر مبنای اختلاط دو فرهنگ شرق و غرب احداث می‌کردند، به طوری که با شهرهای قبل از خود تفاوت اشکاری داشت. در دوره اشکانیان (قرن ۴ ق.م) سبک پارسی معمول و نظام فضایی - کالبدی بر فرهنگ طبقات اجتماعی و کمرنگ شدن فرهنگ یونانی

مبتنی بوده است. در این دوره نظام سلسله مراتب فضایی با دیوارهای محصور از مرکز شهر تا حاشیه به صورت جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی، شامل خاندان سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان، مغان و رحانیون، پیشه‌وران، روستاییان و بردگان بوده است. در دوره‌ی ساسانیان هم ساخت شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی مشتمل بر پادشاهان، درباریان، موبدان، نظامیان، دبیران، دهقانان، به صورت جدایی از هم شکل گرفته است (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۰). قوم دیگری به نام پارتیان که بخشی از آنها بودند که شهرسازی و معماری متفاوتی داشتند آنها با حرکت به سوی باختر سطح وسیعی از قلمرو اشکانیان را به دست آوردند و برای مدتی کوتاه هر و پادشاهی اشکانی و پارتی وجود داشت چهار شهری که پارتیان در جریان پیشروی به سوی باختر ایجاد کرده‌اند طرح دایره‌وار، اردوهای را دارند، که آنها هنگام راهپیمایی در استپهای آسیای، برپا می‌کردند. کلاً عدم امنیت و ثبات ایران، در دوره اشکانی، ساختمان و نگهداری چنین شهرهای دفاعی - نظامی را توجیه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۲۲). آقای احمد اشرف در مورد خصوصیات و ویژگیهای شهرهای زمان ساسانیان می‌نویسد: در دوره ساسانیان شهرها از شالوده‌های اساسی سازواره (ارگانسیم) اجتماعی و سیاسی به شمار می‌آمدند. از آغاز این دوره، خاصه در قرن ششم، شهرهای بسیاری پدید آمد. شهرهای کهن نیز گسترش و رونق فراوان یافتند. در واقع رونق بازرگانی و صنعت، گسترش شاهراه‌های دادوستد و بازرگانی و رشد شهرهای وابسته به به دستگاه اداری پادشاهی، از میان رفتن نهادهای یونانی شهر، افزایش دخالت دستگاه اداری در زندگی شهری و امور اصناف و بازرگانان و فعالیت‌های اقتصادی آنان، از مهم‌ترین ویژگیهای دوره ساسانیان است (اشرف، ۱۳۵۳: ۷-۸).

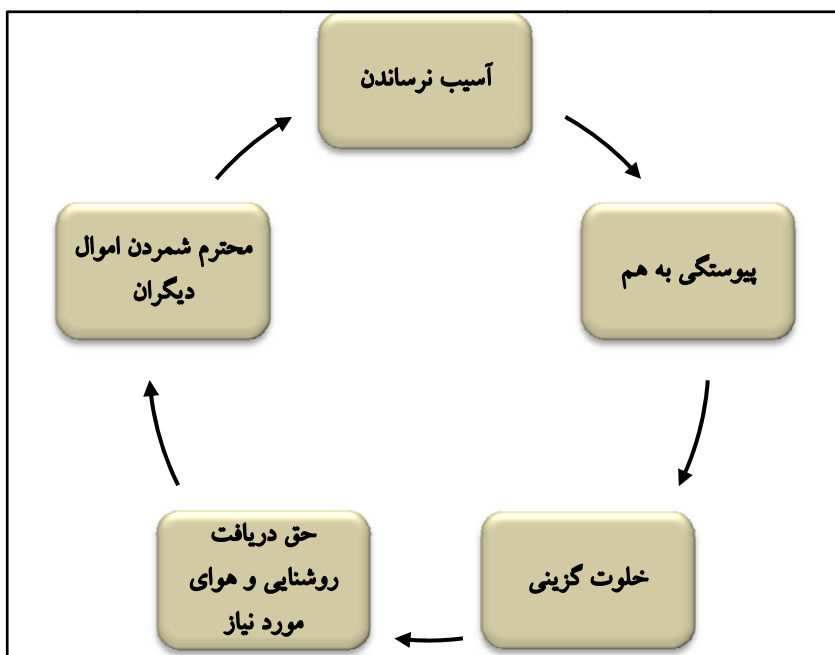
#### ۴- ایدئولوژی اسلامی و مورفولوژی شهری

در شناخت مورفولوژی شهرهای اسلامی یا ساخت اکولوژیک آنها ابتدا باید هر محقق با ایدئولوژی اسلامی آشنا شود. زیرا برادری و برابری و تحرک عمودی و افقی، در هر بخش از زندگی، باعث تحرک و پویایی جامعه شهری و همیاری مردم در جامعه اسلامی شده است. از طرفی اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل بوده است. از این رو همه این دستورات و قوانین به گونه‌ای برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی هویت بخشیده

است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است. دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل‌گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی مؤثر بوده است؛ چنانکه تا قرن‌ها بیشتر فعالیت‌های شهرهای اسلامی بر مدار یک مسجد با موقعیت مرکزی انجام می‌گرفت و مساجد به ویژه مسجد جامع به شهرهای اسلامی چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید. این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشأ تحریک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده است. در واقع مسجد به عنوان بارزترین تجسم خارجی بینش اسلامی با کارکردها و نقش‌های متعدد، انگیزه‌ای مؤثر در تعدد و گسترش آن در تمام سرزمین‌های اسلامی شد. سه عنصر مهم معماری مساجد، یعنی مناره، محراب و منبر، همه در ارتباط مستقیم با ایدئولوژی اسلامی قرار داشتند. به تدریج پاره‌ای از نقش‌های اساسی مسجد، خود پدیده‌ساز مناظر دیگری چون مدرسه، دارالاماره، دارالقضا، دارالحکمه (کتابخانه)، دارالشفاء، رصدخانه و غیره شد. هر یک از این پدیده‌ها با ویژگی‌های ذاتی خود در پهنه‌ی گسترده‌ای از کره زمین نقش بستند و دنیای زیر پرچم اسلام، چهره بارزی از جهات گوناگون عقیدتی، فردی و اجتماعی یافت (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۵۵).

در شهر به عنوان تجلی‌گاه فعالیت‌های انسانی، مظاهر مشهودی از نقش این ایدئولوژی را می‌توان به شکل مسجد و یا "حرم ائمه"، به عنوان قلب تپنده‌ی شهرها مشاهده کرد. در بازارهای سرپوشیده به عنوان ستون فقرات شهر اسلامی، قوانین و احکام خاص اسلامی در مورد تجارت و خرید و فروش حاکم است. شکل‌گیری محلات شهری، ارگ، کاروان‌سرا، خانقاه (محل اطعام فقرا و پذیرایی تازه واردین)، سقاخانه، مؤسسات خیریه و... تنها بخشی از پدیده‌های جغرافیایی منبعت از ایدئولوژی اسلامی هستند. در واقع مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تأثیر پذیرفته است و شکل‌یابی شهرها بعد از سال ۶۲۲م. که آیین حضرت محمد(ص) در مدینه مطرح شد، شروع می‌شود. گسترش قوانین اسلامی، بعد از مدتی برخوردهای قبیله‌ای و ناحیه‌ای را از بین می‌برد و برادری و برابری اسلامی را جانشین بسیاری از برخوردها می‌کند. بدین سان قوانین اسلامی، هم در چارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند. اصولاً همه مؤسسات و سازمان‌های اسلامی که تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به وجود آمده‌اند، به همسانی و برابری انسان‌ها در

دسترسی به امکانات جامعه معتقدند. به طور کلی عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک اسلامی که در روابط اجتماعی و ساخت شهرها دخالت دارد در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل (۱): عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک مؤثر در روابط اجتماعی و ساخت شهرهای اسلامی

منبع: (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۸۸)

علاوه بر این عده‌ای از محققان عوامل مؤثر در مورفولوژی شهرهای اسلامی را این چنین بررسی می‌کنند:

- ۱- بیشتر شهرهای اسلامی با دیوارهایی احاطه می‌شد و هر شهری دارای چند دروازه بود. راه‌های اصلی شهر از دروازه‌ها شروع می‌شد و به بخش مرکزی شهر می‌رسید؛ جایی که مهم‌ترین بنای اسلامی، یعنی مسجد جامع در آن قرار داشت.
- ۲- حوزه اداری شهر در بخش مرکزی شهر و در مجاورت مسجد جامع به وجود می‌آمد که بعدها این حوزه اداری به صورت ارک دواتی با تأسیسات نظامی درآمد.
- ۳- بازارها به شکل خطی و در طول راه‌های اصلی به وجود می‌آمد و با توجه به کارکرد و کالاهای عرضه شده، از یکدیگر کاملاً مشخص بود.

۴- در همه شهرهای اسلامی با الهام از ایدئولوژی اسلامی، همواره یک جدایی چشمگیر بین بخش عمومی و خصوصی وجود داشته است (همان، ۱۸۹).

#### ۵- فرهنگ اسلامی و شهر ایرانی

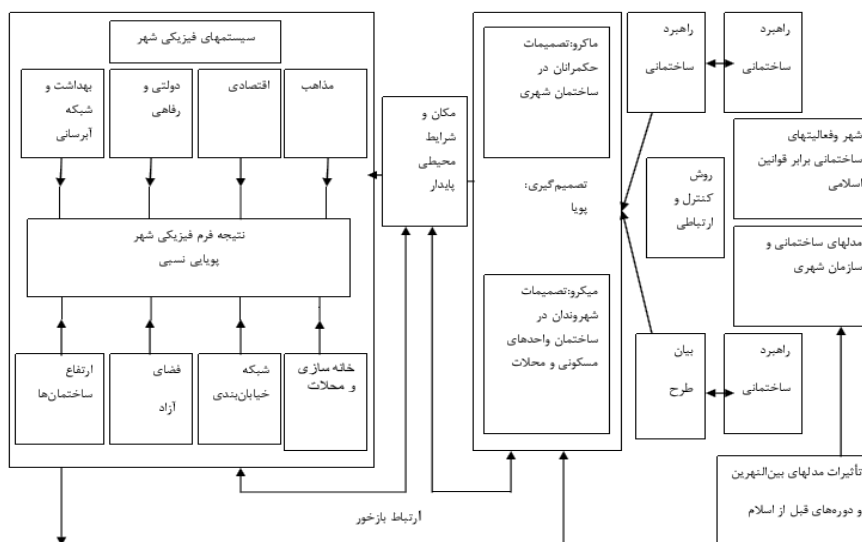
اصطلاح فرهنگ به مفهوم وسیع می‌تواند برای تبیین تمام جنبه‌های خاص شکلی از یک زندگی به کار رود. یا دقیق‌تر بر نظام ارزش‌ها<sup>۶</sup> دلالت کند که در این شکل زندگی نهفته‌اند و هدف فرهنگی نیز به مفهومی درک و تفسیر نظام ارزش‌ها و انتقال آن به نسل‌های آینده می‌باشد. در این تعریف بیان ارزش و انتقال آن به نسل‌های آینده اهمیت بالایی دارد. این انتقال در طول تاریخ شهرسازی در شهرهایی صورت گرفته که مردم، دولت و نخبگان آن قدرت درک و فهم و حفظ ارزش را داشته‌اند (توسلی، بی‌تا: ۳۵). بنابراین فرهنگ مستقیماً از طریق نظام فعالیت‌ها و با هدایت هنجاری و ارزشی آن، با ارائه دستورالعمل‌های معین ناظر بر انجام فعالیت، مستقیماً بر فضا و محیط شهری تأثیر می‌کند و فضای شهری را نیز محصولی فرهنگی می‌نماید. فرهنگ در اشیا و محیط فیزیکی ظاهر می‌شود و طرح‌های عمومی، طرح خانه‌ها و ساختارهای عمومی بطور صریح بازتاب ارزش‌ها و اعتقادات یک فرهنگ‌اند. لذا فضای شهری با محتوای عمیقاً اجتماعی به عنوان فضایی ساخته شده محصولی فرهنگی بشمار می‌آید (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۵). دین و مذهب به مثابه یکی از عناصر فرهنگی و پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی، منشا ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکان‌های گوناگون بوده است (تولایی، ۱۳۸۲: ۶۲). در این میان باید توجه داشت که تمایز بین فرهنگ‌ها اهمیت بسیاری دارد و همین مسأله باعث می‌شود تا فرهنگ، پویا و فعال جلوه کند. زیرا هر فرهنگی وقتی که در مقابل فرهنگ دیگر قرار می‌گیرد معنا و هویت خود را بروز می‌دهد. چرا که از سوئی «فرهنگ عبارت است از رفتارها و فرایندهای تولید معنا با متونی، که در جریان زندگی روزمره با آن مواجه هستیم» (استوری<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳: ۳). اسلام به عنوان دین و سنت اله زیست انسان‌ها و به مثابه فلسفه زندگی در همه زمان‌ها و مکان‌ها، اصول و ارزش‌هایی (و نه الزاماً جزئیاتی) را برای زندگی انسان معرفی و توصیه نموده است. قلمرو و حوزه نفوذ اثر این اصول و ارزش‌ها منحصر و محدود به قتلوروی خاصی از زندگی

<sup>۶</sup>. system of values

<sup>۷</sup>. Story



انسان نمی‌شود. بلکه می‌توانند در همه ابعاد و قلمروهای زندگی، معنا و مصداق و اثر خاص خویش را داشته باشند. به این ترتیب، اگر برای شهر و ساختمان، ورای سرپناه بودن، اهداف و غایاتی متصور باشد که این اهداف و غایات به رشد و تعالی معنوی انسان (اهداف حیات انسان از نظر اسلام) کمک می‌نمایند. ناچار بایستی اصولی بر آنها (شهر و ساختمان) حاکم باشد که این اصول نیز چیزی جز اصول حاکم بر جهان هستی و اصولی که خدای سبحان برای زندگی انسان تعیین فرموده است. نخواهد بود (نقی‌زاده، ۱۰: ۱۳۸۹). شهر باید بتواند پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف انسان را از طریق فراهم آوردن اماکن و فضاهای مرتبط با هر کدام از نیازها از طریق ایجاد تعادل فضایی بین فرم‌ها، اشکال اماکن و فضاهای مختلف از طریق مکان‌یابی متوازن و هماهنگ عملکردهای پاسخگو به نیازهای مختلف انسان و نیز از طریق ارتقای آگاهی و دانش جامعه نسبت به ابعاد وجودی خویش به طور متعادل عهده‌دار شود (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵). در شهرهای ایرانی- اسلامی فرم به تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوی می‌گیرد و این متأثر از بنیان‌های نظری معماری ایرانی اسلامی است که نسبت قالب و محتوی هم چون نسبت روح و کالبد در بنیان‌های جهان‌بینی آن تیز آشکار است (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۹). با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که تمدن عظیم و با شکوه ایران با در هم آمیختن با تعالیم اسلامی و ایجاد تمدن درخشان اسلامی - ایرانی در آثار متعدد معماری بویژه معماری دوره اسلامی جلوه‌گر شده است. به این ترتیب، بسیاری از اصول مذهبی که منجر به آرامش انسان می‌شود، به معماری که اصلی‌ترین روش بیان هویت و فرهنگ تاریخی یک ملت در هر دوره خاص است، وارد شده است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۱۸). بر این اساس هر فرهنگ پیش از آن که متأثر از سایر فرهنگ‌ها باشد، یک نظام مستقل تلقی می‌شود. اما زمانی که دچار دگرگونی و تلاقی با دیگر فرهنگ‌ها شود از وضعیت مستقل قائم به ذات بودگی خود خارج می‌شود و وارد حوزه‌ای پویا، دگرگون شونده و چند وجهی می‌شود. در شکل شماره (۲) عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرهای اسلامی نشان داده شده است.



شکل (۲): عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرهای اسلامی

منبع: (شکوئی، ۱۳۷۹: ۸۷)

## ۶- شهرسازی در ایران بعد از اسلام

ورود اسلام به ایران باعث تحولات عمیق سیاسی- اجتماعی گردید ولی به این معنی نبود که ایرانیان کاملاً فرهنگ خود را از دست بدهند، بلکه با حفظ آن و جذب اسلام، توانستند فرهنگ مخلوط اسلامی ایرانی به وجود آورند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). مذهب به عنوان عالی‌ترین مقام حاکم بر اندیشه، عرفان نشأت گرفته از مبانی مذهبی و تفکرات ناشی از آن، فرهنگ متکی بر سوابق درخشان تمدن در این مرز و بوم و سنت‌های واجد ارزش به عنوان ارکان یک زندگی قانونمند همواره روشنگر مسیر زندگی پیشینیان ما بوده‌اند. نمود عینی این شیوه زندگی در هنر به ویژه در معماری مقامی والا و ارزشمند برای هنر و معماری ایران در جهان به ارمغان آورده است. فرهنگ ایرانی بدون آنکه اشخاص یا اشیایی مظاهر آشکار آن باشند، سیر خود را در اعماق جانها می‌پیمود. اصول پایدار مذهب تقریباً همیشه مانع تغییر بوده و این خط سیر را به کمک قوانین پویا و جاری خود هدایت می‌نمود. اصولی نظیر اعتدال و انتخاب احسن، برگرفته از شریعت مقدس اسلام سبب ایجاد سعه صدر و میانه‌روی در رفتار ایرانیان و در بینش آنها می‌شد. از این لحاظ جهان‌بینی

ایرانیان واسط میان مذاقه محض و فعالیت صرف که یکی مبتنی بر فلسفه شرق (هند) و دیگری متکی بر تفکرات غرب (اروپا) است، بود. این خاصیت سبب تکامل توأم تفکرات مادی و معنوی در میان ایرانیان می‌شد که یکی از عوامل مؤثر در پایداری خط اصیل زندگی بود و چنین خاصیتی هنرمند ایرانی را از سایر هم‌ردیفانش متمایز می‌نمود (دستمالچیان، بی تا: ۴۷۹). شکل و فرم شهرهای ایران بعد از اسلام در نخستین مراحل، وابسته به گذشته خود بوده است. مهم‌ترین شهرهای ایران قبل از اسلام در دوره‌های هخامنشیان شهرهایی مانند پرس‌پلیس و شوش و در دوره ساسانیان، فیروزآباد، بیشاپور و تیسفون بوده‌اند. با آنکه اساس زندگی شهری در دوره اسلامی از شهرنشینی دوره ساسانی مایه می‌گرفت، با این همه شهرهای دوره اسلامی ایران ویژگی‌هایی داشتند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام ایران جدا می‌سازد. شهرهای باستانی ایران از سه قسمت کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۸۸: ۲۳). بنابراین تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت فضایی شهر در مقوله‌های زیر قابل بررسی است:

الف) تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازماندهی آن

ب) تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن

تاثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازماندهی آن همواره ناشی از عناصر زیر بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۴۲).

مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، معابر، حسینیه و تکیه‌ها، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تاسیسات خیریه.

تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر اصول زیر بوده است: اصل با حجابی، اصل درون‌گرایی، اصل سادگی، اصل خودکفایی، اصل تطابق با محیط، اصل نهی از منکر، اصل توجه به خانواده.

## ۷- عناصر و اجزا اصلی شهرهای ایران پس از ورود اسلام

شهرهای ایرانی پس از آنکه در اوایل دوره اسلامی رشد و گسترش یافتند، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. رفته رفته، سیمای باستانی خود را از دست دادند. عوامل اصلی و فضاها بر اساس شهر یعنی کهندژ، شارستان، ربض؛ جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مرکز مذهبی، بازارها و محله‌های شهر داد که عملاً به عنوان بنیان‌های اصلی زندگی شهری

در بیرون شهرهای باستانی رشد و نمو کردند (مجتهدزاده، ۱۳۸۸: ۲۸). عناصر و اجزایی که در شهرهای قدیمی ایران وجود داشته‌اند در رابطه متقابل با هم، دارای یک ارتباط فضایی یکپارچه و بهم پیوسته‌ای بوده‌اند. مناظر و مزایای شهری متفاوت با شهرهای غربی بوده و معماری مسلمانان از فرمهای منفرد و مجزا دوری می‌جوید. فرم معماری شهرها از جنبه فضاهای داخلی‌اش قابل لمس و تشخیص بوده، فرمهای فیزیکی بیان‌کننده آنها نیز این خصوصیات را حفظ کرده‌اند (مشهدیزاده، ۱۳۷۸: ۲۶۴). بدون شک شکل‌گیری و استخوان‌بندی فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی، به شیوه‌های متعدد، از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است. فضای کالبدی بیش‌تر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک در آنها برآمده از مکتب الهی است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سویی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبادی صور، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند (تقوایی و خدایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

#### ۷-۱- ارگ

ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بوده که تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای داده و همچنین مقر حاکم یا سلطان بوده است. در شهر فئودالی ارگ مقر عمده نظامیان را شامل بوده است. ارگ ممکن بوده که با اهمیت یافتن یک شهر و یا انتخاب شدن آن به عنوان پایتخت در آن احداث شود (اشراقی، ۱۳۵۳: ۱۶). ارگ، به قصبه مشهور و نماد حاکمیت است. قصبه که دور تا دور آن دیوار داشت، مشتمل بر ناحیه‌ای شامل مسجد، باغ‌ها، دفاتر ساکنانش بود و معمولاً در بخش بالایی شهر نزدیک دیوار قرار داشت. در شهرهای ایران، ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار داشته (مشهدیزاده، ۱۳۷۸: ۲۷۱).

#### ۷-۲- مسجد

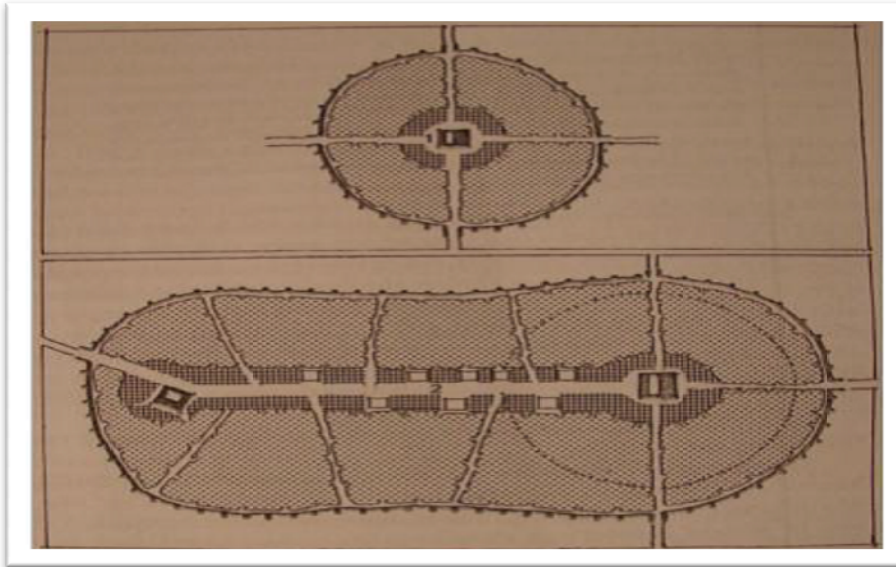
شهرهای ایرانی به تبع ورود اسلام و تغییر در ساختار اجتماعی رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند و از تحول و دگرگونی و گسترش طبیعی و خودجوش برخوردار شدند و با تغییر در ساختار کالبدی شکل تازه‌ای به خود گرفتند. ورود دین اسلام و فرو

ریختن سلسله مراتب اجتماعی، این شهرها را نظمی مجدد داد و منطق با فلسفه دین اسلام زندگی مذهبی آنها را شکل تازه‌ای بخشید. آتشکده‌ها ویران و بجای آن مساجد جامع بنا گردید (نظریان، ۱۳۸۵: ۲۲). پس از گرویدن مردم ایران به آئین اسلام طبعاً ایجاد عبادتگاه‌های اسلامی برای انجام وظایف دینی ضرورت پیدا کرد (قدیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳). در صدر اسلام تاسیس ابنیه با شکوه چندان مورد توجه نبوده و مسجد ساختاری بسار ساده و بی‌پیرایه داشت. زیرا اساساً اسلام پیام‌آور ساده زیستی و صفای باطن و آرامش روحی انسان و مخالفت هرگونه نخوت و تفرعن و کبکبه و هیمنه است. با نگاهی جداگانه به مساجد عربی و ایرانی چنان بر می‌خیزد که تاریخ مساجد نوع اول در شهرهای ایران بسیار درخشان ولی نسبتاً کوتاه است. می‌توان بدوا اعراب فاتح و در پی آنان اعرابی که ایران را اشغال کردند در نظر مجسم ساخت که مساجدی به سبک خود بنا می‌کنند بناهایی که از میان رفتند و برای ما باقی نمانده‌اند (مؤمن‌پور و همکاران، بی‌تا: ۵) در ایران سبک ساختمان مساجد نیز ویژگی خاص خود را داشت در واقع فرهنگ و هنر ساسانی در ایران پس از فتح این سرزمین توسط اسلام در خدمت نظام جدید به کار رفت و سبک متفاوت معماری دوره اسلامی در ایران و دیگر کشورها نتیجه این فرهنگ است (توسلی، ۱۳۶۰: ۱۷). بدین ترتیب مسجد به عنوان نخستین پدیده جغرافیایی برخاسته از اندیشه اسلامی به عنوان یک کانون عبادی-سیاسی در سطح جهان گسترش یافت و با نقش‌های عمده‌ای که ایفا کرد خمیر مایه تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری - سیاسی در سرزمین‌های اسلامی گردید (نظریان، ۱۳۸۵: ۲۵). نظم عمومی شهر اسلامی در شکل شماره (۳) نشان داده شده است.

## سومین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳



شکل (۳): نظم عمومی شهر اسلامی بر طبق دیدگاه اردلان و بختیار

منبع: (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۴)

بالا - مسجد به عنوان نقطه ایستگاهی در زمان انگیزه تجمع انسانی را شکل می‌دهد (خلیفه و اطرافیان) و از اطراف نیز توسط هستی محدود می‌شود (یا شهر) پایین - همچنان که انسان به حرکت در می‌آید، کالبد شهر نیز به پیرو آن حرکت می‌کند و مفهوم مرکزیت را از حالت نقطه به خط دگرگون می‌سازد (در حقیقت این امر توسط بازار تجلی می‌یابد)

### ۷-۳- بازار

بازار به مثابه ستون فقرات شهرهای ایرانی دانسته می‌شود که نبض حیات اقتصادی، اجتماعی (برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی) و فرهنگی را در خود جای داده و دروازه‌های اصلی شهر را به یکدیگر متصل ساخته است؛ بدین ترتیب که بازارهای اصلی و دائمی در امتداد اصلی‌ترین محور شهری جای می‌گرفته و از دروازه‌های شهر آغاز گشته و به مرکز شهر ختم می‌شده است (موحد، ۱۳۹۱: ۵۴). در دوره اسلامی اندک اندک، نمادهای کالبدی دین به عنوان عناصر جدایی‌ناپذیری از بازار ظاهر شدند و عناصری چون مسجد، مدرسه و حسینیه و تکیه جای خود را در بازار باز کردند. در حقیقت، در دوران اسلامی

عملکردهای جدیدی در بازار شکل گرفت و به تدریج شامل حیات جمعی کل شهر گشت و ساختار و کالبد آن به اندامی مرکب با در نظر گرفتن کلیه عملکردهای زندگی عمومی شهر بدل شد (خان محمدی، ۱۳۸۶: ۶۲). در زمان ساسانیان، هسته اولیه بازارهای شهری در فضاهای باز و میدان‌های مهم سکونتگاه تشکیل و توسعه می‌یافت و بسیار شبیه به بازارهای قرون سوم و چهارم اسلامی بود. اما بازارهای دوره اسلامی دارای دو امتیاز بودند؛ (۱) تقسیم‌بندی بازار نه بر مبنای طبقه، بلکه بر اساس تخصص حرفه‌ای استوار بوده است. (۲) راسته بازارهای جدیدی چون بازار کتاب فروشی‌ها، کاغذ فروشی‌ها و صحافی‌ها پدید آمد که قبل از آن وجود نداشت. بازار را نه تنها جغرافی‌دانان و محققان اسلامی وجه مشخصه شهر می‌دانند، بلکه دانشمندان غربی نیز شهر را مرکز مبادله کالا و کانون اصلی تجارت شناخته‌اند. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین عناصر کالبدی شهرهای اسلامی، بازار سرپوشیده است که در واقع ستون فقرات شهر را تشکیل داده، به مغز شهر یعنی «مسجد جامع» می‌پیوندد (سرائی، ۱۳۸۹: ۲۶). از نظر ویرت اهمیت بازار به عنوان کانون مرکزی کسب و کار در شهر اسلامی به قدری است که آن را از تمامی شهرهای دوره‌های تاریخی و فرهنگی و دیگر حوزه‌های جهان متمایز می‌کند. از بسیاری جهات بازار چشمگیرترین و خاص‌ترین علامت مشخصه و وجه تمایز کننده شهر اسلامی است (ویرت، ۱۳۶۵: ۱۳۷). بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی - اسلامی نقش مهمی را به عهده داشته‌اند؛ به نحوی که در شهرهای تازه‌ای که ساخته می‌شد، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد جامع و مقر حکومتی بنا می‌شد. به تدریج با توسعه و گسترش کالبدی بازار، مسکن بیشتری در اطراف آن مجتمع می‌گشت (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۰۰). ویژگی‌های کارکردی بازار و پیوند با مراکز مهم سه گانه سیلسی، اقتصادی و مذهبی موجب جریان همه فعالیت‌های اجتماعی بسوی بازار می‌شد. در هنگام بحرانهای اجتماعی، سیاسی بخصوص در مقابله با عوامل خارجی بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد (نظریان، ۱۳۸۵: ۲۷). بنابراین از بازار مفهومی شکل گرفته است که از قلمرو مکان یا سازوکار مبادله فراتر می‌رود و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی و خیرخواهانه را نیز در بر می‌گیرد (رجایی، ۱۳۸۹: ۹۷). جدول شماره (۱) تقسیم‌بندی عناصر بازار را بر اساس عملکرد آنها نشان می‌دهد.

# سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

جدول (۱): تقسیم‌بندی عناصر بازار براساس عملکرد آن‌ها

ارتباطی	مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی		اقتصادی			کارکردهای بازار
	ارتباطی	نقش اجتماعی و خدماتی	نقش مذهبی	نقش انباری	نقش تولیدی و تجاری	
- میدان - گذر اصلی و فرعی - در و دروازه	- حمام - زوارخانه - سقاخانه - چایخانه و قهوه‌خانه - غذاخوری - سلمانی	مسجد یا مسجد جامع - حسینیه - تکیه - مدارس و حوزهای علمیه - امامزاده	- خانبار - کاروان سرا یا سرا - باراندازها - بارگیر	- کارگاه - قیصریه - دالان	- دکان - تیمچه - تیم - خان - راسته - چهار سوق	عناصر کالبدی بازار

منبع: (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰: ۷)

### ۷-۴- محله

مفهوم محله از جمله مفاهیم جا افتاده و آشنا در سنت شهرنشینی ایران است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۱). در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند و افراد با علائق مشابه یا سوابق یکسان در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. تقسیم محله‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی یا خاستگاه شهری و روستایی بود (خیر-آبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). از نگاه برخی پژوهشگران، محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی در ایران، سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه‌ای خاص است که جامعه شهری رنگ گرفته از نظام عشیره‌ای، در روند شکل‌گیری خود آن را به وجود آورد (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۶). که از اجزای اصلی و فرعی تشکیل شده است و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته‌اند (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۷). در ایران در شهرهایی که پیش از اسلام شکل گرفته بودند عامل اقتصادی - اجتماعی نقش عمده‌ای در مرزبندی محله‌های مسکونی و روابط داخلی و خارجی آنها داشت. پس از اسلام این روابط دچار تحول و دگرگونی نشد. در برخی شهرها، مرزبندی محله‌های مسکونی بر پایه پیوندهای طایفه‌ای و قبیله‌ای تعیین می‌شد و اعضای هر طایفه در محله مخصوص به خود جای می‌گرفت (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶: ۵). اما در



شهرهای ایرانی پس از اسلام مرز محله‌ها غالباً مرزی اجتماعی و گاهی فیزیکی بود و هویت شهری در تضاد با هویت محله‌ای قرار می‌گرفت (شیخی، ۱۳۸۲: ۴۴). یکی از بارزترین ویژگی‌های شهرهای اسلامی وجود عنصر محله می‌باشد، به نحوی که بخش وسیعی از شهر را محلات مسکونی، در بر گرفته است (پاکزاد، ۱۳۰: ۱۸). پس از قرن سوم هجری عامل مذهب نیز به یکی از عوامل مهم همبستگی‌های محله‌ای تبدیل شد، به طوری که در بعضی شهرها پیروان مذاهب گوناگون نظیر شافعیان، حنفیان، شیعیان و ... در محله‌های مجزا و مخصوص به خود زندگی می‌کردند و گاه تأسیسات عمومی ویژه‌ای هم برای خود احداث می‌کردند (Bianca, 1985: 34). وجود محله‌هایی در تقابل و تضاد با یکدیگر در شهر از خصیصه‌های بارز شهرها در دوره اسلامی (صرف نظر از مکان آنها) است. گاهی محله‌ها علاوه بر دروازه ورود و خروج شهر، دروازه‌ای نیز برای ورود به محله داشتند. در آن زمان ارتباط محله با سازمان اجتماعی عشیره‌ای خود در بیرون شهر از رابطه آن با محله‌های مجاور بیشتر بوده است (پورا احمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۶). به طور کلی در شکل‌گیری اصلی محله‌ها در شهرهای اسلامی چند خصوصیت قابل ذکر است:

- ۱- شکل‌گیری اولیه محله بر اساس تقسیم‌بندی‌های نژادی، قومی، دینی یا خویشاوندی بود و اهالی محله عموماً با یکدیگر احساس همبستگی و به محله احساس تعلق می‌کردند. رقابت و اختلاف میان محله‌ها که گاه به جنگ و جدال نیز می‌انجامید، امری رایج بود.
- ۲- هر محله دارای گروهی از فضاها بود که به آن نوعی استقلال نسبت به محله‌های دیگر می‌داد. این فضا عمدتاً شامل همه فضاها اصلی شهر در ابعادی کوچک‌تر می‌شدند؛ مثل: بازار محلی، مغازه‌ها، مسجد، حمام، مدرسه و آب انبار.
- ۳- محله در ساخت خود تأثیرپذیری از عوامل اقلیمی، اقتصادی و سیاسی را نشان می‌داد.

- ۴- محله‌ها عموماً دارای یک ساختار سیاسی مدیریتی بودند که در مجموعه ساختاری بزرگ‌تر قرار می‌گرفت. رئیس محله، کدخدا یا کلانتر بود که در همکاری با سایر مناصب شهری مثل محتسب، عسس، داروغه و ... و زیر قدرت رئیس یا حاکم شهر فعالیت می‌کرد.
- ۵- محله‌ها از لحاظ حجم و عناصر تشکیل دهنده خود بسیار متفاوت بودند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۳۹۰).

#### ۷-۵- مدارس

مدرسه، مکانی برای آموزش فعالیت اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد و نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای را به وجود می‌آورد. پیش از اسلام، مراکز آموزشی مجاور کاخ‌ها و مراکز حکومتی یا آتشکده‌ها و نقاطی دور از مراکز تجاری قرار داشتند. در جوامع کهن، نهادها و تأسیسات اداری، مذهبی و بازرگانی از مهم‌ترین عوامل فضاهای آموزشی بودند. به همین جهت، مراکز آموزشی اغلب در کنار تأسیسات اداری، مراکز مذهبی یا بازرگانی، نیروهای مورد نیاز خود را برای اداره امور تعلیم می‌دادند (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). در دوره پس از اسلام، دو عامل مهم یعنی نخست افزایش و گسترش منابع فقه و علوم مذهبی و کارکردهای اجتماعی آن و دوم رقابت‌های مذهبی - سیاسی موجب تکوین مدرسه‌ها شد. اغلب مدارس بزرگ در امتداد یا در جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شد (مشهدیزاده، ۱۳۷۸: ۲۸۳). اصول اعتقادی اسلام بر دانش اندوزی و طلب علم و تفکر و اندیشه صحیح تأکید فراوان دارد. بدین جهت در آغاز یکی از نقش‌های مهم مسجد پرداختن به امر آموزش بود (نظریان، ۱۳۸۵: ۲۷). ایدئولوژی اسلامی، هرگز سیستم کاست، طبقه‌گرایی، نژادگرایی و قوم‌گرایی را نپذیرفته است. در جامعه اسلامی، به وجود آمدن مکتب‌های فکری در مدارس نظامیه یا مساجد که بیشتر در مجاورت بازار فعالیت فلسفی علمی داشتند به نحوی فرهنگ شهری را تحت تأثیر قرار داده است (شکوئی، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

#### ۷-۶- شبکه معابر

فضاها و عناصر مختلف شهرها توسط شبکه راه‌ها و ارتباطات به همدیگر متصل شده و شهروندان از طریق شبکه‌های ارتباطی به شهر تحرک و جنب و جوش می‌بخشند. برحسب عوامل مختلف و نیازهای گوناگون شبکه معابر نیز انواع گوناگونی را شامل می‌شود (مشهدیزاده، ۱۳۷۸: ۳۳۴).

#### ۸- ورودی شهرهای ایران

یکی از عناصر کالبدی در ساختار شهر، برای تقویت کیفیت نمادین و هویت آن دروازه‌ها بوده اند (شعله، ۱۳۸۵: ۱۹). فضاهای ورودی شهرها متأثر از فرهنگ و سنن اجتماعی دارای ویژگی‌های ادراکی و عملکردی بود. شهرهای ایرانی پیش از اسلام، به ویژه

در دوران هخامنشی و ساسانی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله جهان‌بینی ساخته می‌شد. این شهرها معمولاً به حصار می‌گشت که چهار دروازه به چهار سوی عالم داشته و یادآور جهات اربعه بود. در این جهان‌بینی شهر با زمین به عنوان مرکز عالم مقایسه می‌گشت که از طریق دروازه‌های خود با کل عالم هستی که به چهار قسمت تقسیم می‌شد، ارتباط می‌یافت (بحرینی و علی طالب بابلی، ۱۳۸۱: ۱۴). در شهر اسلامی دروازه در مقیاس بناهای مهم، فضاهای باز عمومی، و در نهایت در مقیاس شهر نقش‌های ویژه‌ای را به خود می‌پذیرد (توسلی، ۱۳۷۶: ۶۹).

ویژگیهای ادراکی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران عبارتند از:

- دعوت کردن (به دلیل عملکرد اجتماعی و پویایی فضای باز مقابل دروازه شهر)
- هویت بخشیدن (اهمیت دادن به دروازه و تزئینات آن و شاخص نمودن دروازه)
- ایجاد حس ورود (عبور از دروازه به عنوان مرز جدا کننده دو فضا)
- آماده ساختن برای درک فضای جدید (فضای باز مقابل دروازه با عملکرد اجتماعی)
- برقراری ارتباط ادراکی و بصری بین دو فضا (وجود دروازه و فعالیت‌هایی که در فضای مجاور آن جریان داشت)

ویژگیهای عملکردی فضای ورودی شهرهای قدیم ایران عبارتند از:

- برقراری ارتباط فیزیکی بین دو فضا (دروازه)
- تأمین امنیت و نظارت بر ارتباط (دروازه، برج‌های دفاعی)
- هدایت (قرارگیری دروازه اصلی در مسیری که مستقیماً به مرکز شهر و بازار ارتباط داشت)

- معرفی شهر (کتیبه‌هایی که بر سر در دروازه ورودی‌های مهم نوشته می‌شد)

حضور فضای ورودی در فعالیت‌های روزمره شهر (فضای باز مقابل دروازه ورودی با عملکرد اجتماعی و اقتصادی).

ورودی‌های همه شهرهای ایران واجد تمامی این خصوصیات نبود و بر حسب اهمیت ورودی و شهر مورد نظر، از نظر دارا بودن بخشی و یا کلیه این ویژگیها با یکدیگر متفاوت بوده‌اند (بحرینی و علی طالب بابلی، ۱۳۸۱: ۱۷).

## ۹- نحوه اداره شهر

در دوره پس از ورود اسلام به ایران، سازمان حکومتی شهرها بستگی زیادی به موقعیت آنها در سازمان اداری و تقسیماتی کشور داشت. مقام و موقعیت حاکم شهر را حکومت مرکزی معین کرد. وی گذشته از شهر، بر مناطق تابعه نیز حکومت می‌کرد. در پایتخت حضور پادشاه و مقامات بلند پایه کشوری وضع خاصی پدید می‌آورد. در مرکز ایالات والی و حکام بیگلربیگیان حکومت می‌کردند. در شهرهای کوچکتر که مرکز اداری ولایات و نواحی کوچکتر و بخشها بودند، حکومت‌های ایالتی حاکمانی بر آنها می‌گماردند (اشرف، ۱۳۵۷: ۶۴). دولت مرکزی نیز قدرت خود را از طریق دستگاه‌های دیوانی اعمال می‌نمود. از مشارکت مردمی در اداره امور اثر چندانی دیده نمی‌شود. در دوران بعد از اسلام تنها نهادها و مکان‌هایی که نقش اصلی را در مشارکت مردمی ایفا می‌کنند سازمان‌های صنفی، مساجد و بازارها هستند. تشکیلات اداره امور شهرها را در دوره بعد از اسلام به چهار دسته می‌توان تقسیم نمود.

۱- امور اداری، سیاسی، امنیتی، منطقه تحت نفوذ آن که بر عهده حاکم یا امیرنشین بود.

۲- امور اجتماعی، اقتصادی و امور خدماتی که بر عهده رئیس شهر، کلانتر و کدخدایان محله بود.

۳- امور انتظامی که دارو غه عهده‌دار آن بود.

امور قضایی که قضات مسؤولیت آن را بر عهده داشتند (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

### نتیجه‌گیری

شهرهای اسلامی بیش از همه از دستورات و قوانین اسلامی مأخوذ از کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع تأثیر پذیرفته و این دستورات و قوانین در تصمیم‌گیری درباره ساخت شهرها تأثیر مستقیمی داشته است. شهر اسلامی، شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است و ویژگی آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. دستورات و قوانین دین اسلام، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی هویت بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است. دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل‌گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی مؤثر بوده است؛

چنانکه تا قرن‌ها بیشتر فعالیت‌های شهرهای اسلامی بر مدار یک مسجد با موقعیت مرکزی انجام می‌گرفت و مساجد به ویژه مسجد جامع به شهرهای اسلامی چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید. این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشأ تحركات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده است. در واقع مسجد به عنوان بارزترین تجسم خارجی بینش اسلامی با کارکردها و نقش‌های متعدد، انگیزه‌ای مؤثر در تعدد و گسترش آن در تمام سرزمین‌های اسلامی شد. سه عنصر مهم معماری مساجد، یعنی مناره، محراب و منبر، همه در ارتباط مستقیم با ایدئولوژی اسلامی قرار داشتند. به تدریج پاره‌ای از نقش‌های اساسی مسجد، خود پدیده‌ساز مناظر دیگری چون مدرسه، دارالاماره، دارالقضا، دارالحکمه (کتابخانه)، دارالشفاء، رصدخانه و غیره شد. هر یک از این پدیده‌ها با ویژگی‌های ذاتی خود در پهنه‌ی گسترده‌ای از کره زمین نقش بستند و دنیای زیر پرچم اسلام، چهره بارزی از جهات گوناگون عقیدتی، فردی و اجتماعی یافت. در شهر به عنوان تجلی‌گاه فعالیت‌های انسانی، مظاهر مشهودی از نقش این ایدئولوژی را می‌توان به شکل مسجد و یا "حرم ائمه"، به عنوان قلب تپنده‌ی شهرها مشاهده کرد. در بازارهای سرپوشیده به عنوان ستون فقرات شهر اسلامی، قوانین و احکام خاص اسلامی در مورد تجارت و خرید و فروش حاکم است. شکل‌گیری محلات شهری، ارگ، کاروان‌سرا، خانقاه (محل اطعام فقرا و پذیرایی تازه واردین)، سقاخانه، مؤسسات خیریه و... تنها بخشی از پدیده‌های جغرافیایی منبعت از ایدئولوژی اسلامی هستند. در واقع مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تأثیر پذیرفته است و شکل‌یابی شهرها بعد از سال ۶۲۲م. که آیین حضرت محمد(ص) در مدینه مطرح شد، شروع می‌شود. گسترش قوانین اسلامی، بعد از مدتی بر خورده‌های قبیله‌ای و ناحیه‌ای را از بین می‌برد و برادری و برابری اسلامی را جانشین بسیاری از برخوردها می‌کند. بدین سان قوانین اسلامی، هم در چارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند. اصولاً همه مؤسسات و سازمان‌های اسلامی که تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به وجود آمده‌اند، به همسانی و برابری انسان‌ها در دسترسی به امکانات جامعه معتقدند. ورود اسلام به ایران نیز باعث تحولات عمیق سیاسی- اجتماعی گردید ولی به این معنی نبود که ایرانیان کاملاً فرهنگ خود را از دست بدهند، بلکه با حفظ آن و جذب اسلام، توانستند فرهنگ مخلوط اسلامی ایرانی به وجود آورند. شکل و فرم شهرهای ایران بعد از اسلام در نخستین مراحل، وابسته به گذشته خود بوده است. با آنکه اساس زندگی شهری در دوره اسلامی از شهرنشینی دوره ساسانی مایه می‌گرفت، با این همه شهرهای دوره اسلامی ایران ویژگی‌هایی داشتند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام ایران جدا می‌سازد. تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازماندهی آن همواره ناشی از عناصری

مانند مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، معابر، حسینیه و تکیه‌ها، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تاسیسات خیریه. بوده است. همچنین تاثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر اصول زیر بوده است: اصل با حجابی، اصل درون‌گرایی، اصل سادگی، اصل خودکفایی، اصل تطابق با محیط، اصل نهی از منکر، اصل توجه به خانواده. شهرهای ایرانی پس از آنکه در اوایل دوره اسلامی رشد و گسترش یافتند، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. رفته رفته، سیمای باستانی خود را از دست دادند. عوامل اصلی و فضاها بر اساس شهر یعنی کهندژ، شارستان، رض؛ جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مرکز مذهبی، بازارها و محله‌های شهر داد که عملاً به عنوان بنیان‌های اصلی زندگی شهری در بیرون شهرهای باستانی رشد و نمو کردند. عناصر و اجزایی که در شهرهای قدیمی ایران وجود داشته‌اند در رابطه متقابل با هم، دارای یک ارتباط فضایی یکپارچه و بهم پیوسته‌ای بوده‌اند. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک در آن‌ها برآمده از مکتب الهی است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سویی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبادی صور، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند. در حقیقت شهرهای ایرانی پس از آنکه در اوایل دوره اسلامی رشد و گسترش یافتند، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند. رفته رفته، سیمای باستانی خود را از دست دادند. عوامل اصلی و فضاها بر اساس شهر یعنی کهندژ، شارستان، رض؛ جای خود را به مراکز دیوانی و نظامی، مرکز مذهبی، بازارها و محله‌های شهر داد که عملاً به عنوان بنیان‌های اصلی زندگی شهری در بیرون شهرهای باستانی رشد و نمو کردند. فرم معماری شهرها از جنبه فضاهای داخلی‌اش قابل لمس و تشخیص بوده، فرمهای فیزیکی بیان‌کننده آنها نیز این خصوصیات را حفظ کرده‌اند. بدون شک شکل‌گیری و استخوان‌بندی فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی، به شیوه‌های متعدد، از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی و ایرانی متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است که بیانگر وجود روح مشترک در آن‌ها برآمده از مکتب الهی است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سویی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبادی صور، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند. در دوره اسلامی اندک اندک، نمادهای کالبدی دین به عنوان عناصر جدایی‌ناپذیری از بازار ظاهر شدند و عناصری چون مسجد، مدرسه و حسینیه و تکیه جای خود را در بازار باز کردند. در حقیقت، در دوران اسلامی عملکردهای جدیدی در بازار شکل گرفت و

به تدریج شامل حیات جمعی کل شهر گشت و ساختار و کالبد آن به اندامی مرکب با در نظر گرفتن کلیه عملکردهای زندگی عمومی شهر بدل شد. مفهوم محله نیز از جمله مفاهیم جا افتاده و آشنا در سنت شهرنشینی ایران است. یکی دیگر از بارزترین ویژگی‌های شهرهای اسلامی وجود عنصر محله می‌باشد، به نحوی که بخش وسیعی از شهر را محلات مسکونی، در بر می‌گرفته است؛ پس از قرن سوم هجری عامل مذهب نیز به یکی از عوامل مهم همبستگی‌های محله‌ای تبدیل شد، به طوری که در بعضی شهرها پیروان مذاهب گوناگون نظیر شافعیان، حنفیان، شیعیان و ... در محله‌های مجزا و مخصوص به خود زندگی می‌کردند و گاه تأسیسات عمومی ویژه‌ای هم برای خود احداث می‌کردند. در دوره پس از اسلام، دو عامل مهم یعنی نخست افزایش و گسترش منابع فقه و علوم مذهبی و کارکردهای اجتماعی آن و دوم رقابت‌های مذهبی - سیاسی موجب تکوین مدرسه‌ها شد. به طوری که در جامعه اسلامی، به وجود آمدن مکتب‌های فکری در مدارس نظامیه یا مساجد که بیشتر در مجاورت بازار فعالیت فلسفی علمی داشتند به نحوی فرهنگ شهری را تحت تأثیر قرار دادند. از دیگر تغییرات کالبدی که در شهرهای ایرانی و اسلامی پس از ورود اسلام به وجود آمد می‌توان به شبکه معابر، ورودی‌ها و دروازه‌های شهر اشاره کرد. در حقیقت می‌توان گفت که با ورود اسلام به ایران تغییراتی از لحاظ کالبدی و همچنین نحوه اداره شهرهای ایرانی به وقوع پیوست.

## منابع

- اشراقی، احسان (۱۳۵۳)، چشم‌اندازی به قلعه‌های اصطخر و قهقهه در روزگار صفویه، مجله هنر و معماری، شماره ۱۴۲، مرداد، صص ۱۶-۲۳.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران، درنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، تیر، صص ۷-۴۹.
- امین‌زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، آرمانشهر اسلام: شهر عدالت، نشریه صفه، شماره ۳۵.
- انصاری، ابراهیم (۱۳۸۱)، جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۵-۲۶.
- ایراندوست، کیومرث و بهمنی اورامانی، آرمان (۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی - اسلامی، شماره پنجم، پاییز، صص ۵-۱۴. بریمانی، فرامرز و شعاع‌برآبادی (۱۳۸۸)، بافت قدیم شهرها جلوه‌های مادی و معنوی شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر خواف)، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، پاییز.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

- بمانیان، محمدرضا و امینی، معصومه (۱۳۹۰)، بررسی شاخص‌های موثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره پنجم، پاییز، صص ۸۹-۱۱۲.
- بهشتی، سیدحامد (۱۳۹۰)، محله؛ نهادی سنتی برای تقویت جامعه مدنی، اندیشه ایرانشهر: فصلنامه‌ای در زمینه شهرسازی، سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵، تهران، صص ۲۰-۲۵.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۶۶)، مرزبندی محلات شهری در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵، صص ۱۵۳-۱۶۹.
- پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان، صص ۴۱-۴۹.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۰)، مفهوم شهر، نظراتی درباره بررسی شهر - رفتار انسانی در محیط شهری، ترجمه اعتماد گیتی، گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران.
- پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره دوم، زمستان، صص ۱=۱۱.
- تقوایی، علی‌اکبر و خدایی، زهرا (۱۳۹۰)، شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تاکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره چهارم، تابستان، صص ۱۰۳-۱۱۳.
- توسلی، محمود (۱۳۶۰)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپخانه رشیدیه، تهران.
- توسلی، محمود، شهر: کانون فرهنگ، نشریه هنرهای زیبا، شماره هفتم، تابستان، صص ۳۴-۳۷.
- تولایی، نسرین (۱۳۸۲)، نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی، نشریه علمی و پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹، تابستان، صص ۶۲-۷۳.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۹۰)، تحلیلی تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۰، بهار، صص ۱۲۱-۱۳۶.
- خان محمدی، اکبر (۱۳۸۶)، بازار در ادب فارسی، نشریه هفت شهر، شماره ۲۰، تابستان، صص ۴-۱۴.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌الله مافی، نیکا، مشهد.
- دستمالچیان، جواد. بافت‌های تاریخی شهرمان را حفظ کنیم، کنگره تاریخ معماری و شهرسازی.
- رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۸۹)، ویژگیهای بازار اسلامی در نظریه و عمل، مجله معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، پیاپی سوم، تهران، صص ۹۳-۱۱۸.



## سومین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی - شیرفت

واکاوی مضامین و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی - شیرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۲)، تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان، صص ۹۵-۱۰۸.
- سرائی، محمدحسین (۱۳۸۹)، تحولات بازارهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، علمی - پژوهشی، شماره دوم، زمستان، صص ۲۵-۳۷.
- سعیدرضوانی، عباس (۱۳۷۲)، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم
- سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۱)، شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست سال ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵، تابستان، صص ۱۴۰-۱۴۷.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲)، تأثیر اسلام در ساخت شهر، مجله معماری - شهرسازی، شماره ۲۵ و ۲۶، تهران، صص ۳۷-۵۲.
- شعله، مهسا (۱۳۸۵)، دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، پاییز، صص ۱۷-۲۶.
- شکوئی، حسین (۱۳۷۹)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران
- شکوئی، حسین (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری جلد اول، انتشارات سمت، چاپ نهم
- شیخی، محمد (۱۳۸۲)، ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، تابستان، صص ۳۹-۶۸.
- ضرابی، اصغر، یونس، غلامی بیمرغ و مسعود، حاج بنده افسی (۱۳۷۸)، بررسی تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران، نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، صص ۲۶۳-۲۸۵.
- عبداللهی، مجید، مظفر صرافی جمیله و توکلی‌نیا (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تابستان، صص ۸۳-۱۰۳.
- علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی - تاریخی مسلمانان، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره سوم، بهار، صص ۷۱-۷۶.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، انسان شناسی شهری، چاپ سوم، نشر نی، تهران.
- قدیانی، عباس (۱۳۷۹)، جغرافیای تاریخی ری - رگ، انتشارات آرون، چاپ اول، تهران.
- کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۹)، شهر، هویت شهری و شهرداریها (از محله‌گرایی تا جهانی شدن)، شهرداریها، سال نهم، شماره ۸۹، صص ۱۸-۲۲.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو ۱۳۹۳

کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران.  
مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۸۸)، اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.

مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۷)، تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ سوم، تهران.

موحد، علی، شماعتی، علی و زنگانه، ابولفضل (۱۳۹۱)، بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)، فصلنامه علمی - تخصصی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، بهار، صص ۳۷-۵۱.

مؤمن‌پور، عرفان، مرادی گروسی، الله رضا، ویسی، ناکو (۱۳۹۰)، بازکاوی هویت؛ عناصر و جزئیات مسجد در شهرهای ایرانی، سومین کنفرانس ملی عمران شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

نظریان، اصغر (۱۳۸۵)، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ هفتم، تهران.  
نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، تأملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، شماره اول، پاییز، صص ۱-۱۷.

ویرت، اویگن (۱۳۶۵)، نظر اجمالی به شهر شرقی بر مبنای تحقیقات جدید در زمینه فرهنگ مادی، ترجمه مصطفی مومنی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- Bianca, S (1985). The structural unity of the Islamic City, London: Unanimous.
- Rabah, S (2002). Introduction to Islamic city. Foundation for Science Technology and Civilization (www. Citymuslims. Org/pdf/Islamic-city. Pdf).
- Story, j (2003), Cultural Studies and the study of popular cultural, the university of Georgia press.